



آخرین گاهن آمون در گذشت

حمیدرضا دشتی، تهیه‌کننده، کارگردان و بازیگر تئاتر، سینما و تلویزیون بر اثر سکنه در گذشت. دشتی در سال‌های فعالیت هنری خود در آثار متعددی حضور داشت و علاوه بر نقش آفرینی در سریال «یوسف پیامبر» در مجموعه‌های تلویزیونی «ساخت ایران ۳» و «چهار چرخ» نیز به ایفای نقش پرداخت.او همچنین در فیلم‌های سینمایی «ایران ۶۸»، «قیف»، «اهنگ دو نفره»، «پرنده‌باز»، «چمدان‌های خالی» و «عاریه» مقابل دوربین رفت.

این هنر مند علاوه بر بازیگری، در حوزه تهیه‌کنندگی نیز فعالیت داشت و تهیه‌کنندگی فیلم‌های «سارقین عتیقه» و «چمدان‌های خالی» را بر عهده داشت. همچنین به عنوان تهیه‌کننده و مجری طرح فیلم سینمایی «ایران ۶۸» نیز فعالیت کرده بود. عباس امیری‌مقدم و اسماعیل سلطانیان نیز که پیش از این به عنوان کاهنان معبد آمون شناخته می‌شدند در سال‌های گذشته، درگذشتند.

نمایش «راهی که آمده‌ایم»

در جشنواره «نور جهان» روسیه

انیمیشن کوتاه «راهی که آمده‌ایم» به کارگردانی نرگس فضلی در بخش مسابقه شانزدهمین جشنواره «نور جهان» روسیه نمایش داده می‌شود. انیمیشن کوتاه «راهی که آمده‌ایم» ساخته نرگس فضلی (تولید مرکز گسترش سینمای مستند، تجربی و پویانمایی) به بخش مسابقه شانزدهمین جشنواره «نور جهان» روسیه راه یافت. داستان این فیلم کوتاه درباره مادری دارای معلولیت است که برای بازگرداندن دخترش به منزل به مدرسه می‌رود و در راه با چالش‌هایی روبه‌رو می‌شود. مرکز این جشنواره بر آثار مرتبط با مخاطب کودک و نوجوان است. شانزدهمین جشنواره «نور جهان» از ۲۱ تا ۲۵ شهریور در شهر یاروسلاو روسیه برگزار می‌شود. «راهی که آمده‌ایم» توسط بخش بین‌الملل مرکز گسترش سینمای مستند، تجربی و پویانمایی برای جشنواره ارسال شده است.



آشنایی با زندگی سردار

محمدعلی‌الله‌دادی در «اتوبوس شهدا»

داستان زندگی و رشادت‌های سردار شهید محمدعلی‌الله‌دادی از فرماندهان بزرگ دفاع مقدس هشت ساله و مدافع حرم در قالب داستانی نوجوانانه از سوی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان منتشر شده است.

«اتوبوس شهدا» عنوان کتاب تازه کانون پرورش فکری نوشته محمدضار شرفی است که بخش‌هایی از زندگی این فرمانده بزرگ و شجاع میهن را در جنگ هشت ساله تحمیلی عراق علیه ایران و مبارزه با اشترار و پس از آن جنگ با داعش از زبان یک نوجوان یزدی روایت می‌کند. ماجرای این کتاب به زمانی بازمی‌گردد که نوجوان راوی داستان در شهر یزد - جایی که سردار شهید سال‌ها فرماندهی سپاه الغدیر این شهر را بر عهده داشت - هنگام عبور از کوچه متوجه می‌شود که افرادی در حال خراج کردن آثابه منزل شهیدالله‌دادی هستند و او تلاش می‌کند با سرعت دادن به حرکت دوچرخه‌اش، جعفر یکی از دوستانش را در جریان این اتفاق قرار دهد که در همین زمان دوچرخه‌اش در جلای‌ای می‌افتد و او دچار آسیب و روانه بیمارستان می‌شود.

نوجوان راوی پس از آن، طلی ماجراهایی پیش از پیش با زندگی و رشادت‌ها و ویژگی‌های این سردار شهیدمقلقب به ابوعلی‌رضا آشنما می‌شود و آن را برای مخاطبان این داستان بازگو می‌کند. مخاطب این داستان - که به تصویرگری روی جلد «فرز برزادگان» از سوی انتشارات کانون پرورش فکری در ۷۶صفحه منتشر شده است، نوجوانان بالای ۱۵ سال هستند.

شهید محمدعلی‌الله‌دادی، زاده ۱۳۴۴ در پاریز استان کرمان از فرماندهانی بود که به ابتدای دوران نوجوانی و جوانی و در سال‌های نخست پیروزی انقلاب در کنار شهید مصطفی چمران و پس از آن سردار شهید قاسم سلیمانی به جنگ علیه دشمنان مهن پرداخت و سال ۱۳۹۳ در مزارع امل سوریه و در کنار شهید جهاد مغنیه فرزند شهید عماد مغنیه و بر اثر حمله بالگردهای دشمن صهیونی به شهادت رسید و پیکر پاکش به دست سردار سلیمانی در پاریز کرمان به خاک سپرده شد.



«ماهی بلژیکی» به صحنه بازی می‌گردد

دور تازه نمایش «ماهی بلژیکی» به کارگردانی آرون دشت‌آرای روی صحنه می‌رود. دور دوم اجرای نمایش «ماهی بلژیکی» از ۱۴ مرداد در سالن کر باکس پردیس تئاتر و موسیقی دکر (باغ کتاب) به صحنه می‌رود و پیش‌فروش بلیت آن از تاریخ ۲۰ آذر در سایت فیدیبو آرت آغاز می‌شود. «ماهی بلژیکی»، نوشته لئونور کفنینو است که با برگردان حمیدرضا امامینورقزایی و کارگردانی آرون دشت‌آرای اجرا می‌شود و در خلاصه داستان آن آمده است: «روایتی نامعمول از یک دیدار غافلگیرکننده» این نمایش، نخستین دور اجرای خود را زمستان سال گذشته پایان داد و در این دور نیز با بازی کاظم سبحانی و طاهره هزاوه روی صحنه می‌رود. این اثر نمایشی که تازه‌ترین کار کهنمایی فیلم و هنرهای اجرایی «پریو گول» است، از چهارشنبه ۱۴ مرداد هر شب ساعت ۲۰ در سالن کر باکس پردیس تئاتر و موسیقی دکر (باغ کتاب) روی صحنه می‌رود.



روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگیصبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرمسئول: محمدجواد اخوان
سر‌دبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان بهیقی
کوچه شهیداکبر زجاجی (چهاردهم غربی)، پلاک ۱۲
سامان آگهی‌ها: ۸۸۵۴۵۴۸۸
روابط‌عمومی: ۰۶۰-۸۸۵۲۳۰۶۰-فکس: ۸۸۴۹۸۴۶۶
توزیع: مؤسسه نشرگستر امروز نوین ۰۹۲۲-۸۸۷۳
چاپ: همشهری
Public@JavanOnline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۷۶۴ | پنج‌شنبه ۱۸ تیر ۱۴۰۵ | ۲۴ محرم ۱۴۴۸ | اذان ظهر ۱۲:۱۰ | غروب آفتاب ۱۹:۲۳ | اذانبعد ازظهر۱۹:۴۴ | نیمه‌شب‌شروع۲۳:۱۷ | اذانصبح‌فردا ۰۳:۱۲ | طلوع‌آفتاب‌فردا۰۴:۵۷

«مسئولیت‌تشیع» با پایان مراسم خاتمه نمی‌یابد



حسین شایسته

ر بحانه تقوی‌نیک

با پایان گرفتن مراسم وداع و بدرقه با رهبر شهید انقلاب، «مسئولیت‌تشیع» خاتمه پیدا نمی‌کند. همه اصخاص از طریق بیان تجارب، انتقال خاطرات به نسل‌های بعد و بازخوانی ارزش‌ها و اصول مورد تأکید رهبر شهید انقلاب، در استمرار حافظه جمعی مشارکت می‌کنند، چه اینکه تشییع صحنه بازبایی پیوندهای مشترک است و هر کتشی یا روایتی که این پیوند را تضعیف کند از منطبق ارباطی این رخداد فاصله می‌گیرد.



تشییع یک رهبر سیاسی تنها بدرقه یک شخصیت نیست؛ لحظه‌ای است که جامعه نسبت خود را با ارزش‌های مشترک، گذشته و آینده‌اش بازتعریف می‌کند. اهمیت چنین رخدادی فراتر از شکوه ظاهری مراسم است و در فرآیندهای ارتباطی و اجتماعی نهفته که از خال آنها فعال می‌شوند.

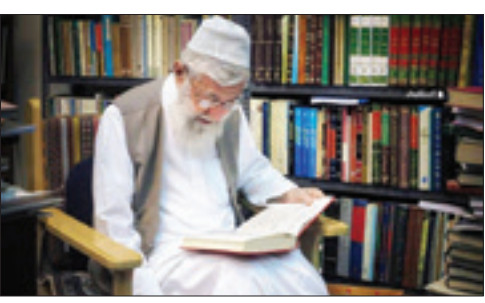
این برداشت بر نظر بر ارتباط آیینی استوار است که ارتباط را صرفاً انتقال پیام نیم‌داند، بلکه فرآیندی برای خلق و استمرار یک جهان معنایی مشترک از طریق مشارکت جمعی معرفی می‌کند. در این نگاه، رهبر تنها رسانه انتقال پیام نیست، بلکه بستری برای بازتولید حیات اجتماعی یک اندیشه است. این بازتولید، نه صرفاً از طریق سخنرانی‌ها یا نمایش‌های رسمی، بلکه در اجرا تحقق می‌یابد. در مطالعات اجرا، کتشی‌های آیینی صرفاً بازنمای معنا نیستند، آنها همان معنا را در عمل اجتماعی می‌آفرینند. اگر اجرامحل‌شکلگر ی معناست، جسم انسان ابزار مهمی در این فرآیند است؛ ایستادن، حرکت جمعی، اشک ریختن، حمل پرچم یا قاب عکس و دیگر کتشی‌های بدنی، شیوه‌هایی هستند که از طریق آنها معنا در عرصه عمومی مرن می‌شود.

از سوی دیگر، یافته‌های حافظه فرهنگی نشان می‌دهد که حافظه تنها در آرشویه‌ها و اسناد حفظ نمی‌شود، بلکه از طریق اجرا و کتشی‌های بدنی نیز استمرار می‌یابد. از این منظر، تشییع صرفاً یادآوری گذشته پار خاد گذشته نیست؛ حافظه جمعی در خود این تجربه مشترک ساخته و به نسل‌های بعد منتقل می‌شود.

دریچه

هادی خورشاهیان، شاعر و نویسنده حوزه کودک، نوجوان و بزرگسال:

نگرش رهبر انقلاب به کتاب و ادبیات، الگویی برای اهل فرهنگ بود



خورشاهیان با اشاره به آشنایی رهبر انقلاب با شعر، ادبیات ایران و جهان تأکید کرد که توجه ایشان به زبان فارسی و ادبیات، تلنگری برای اهل قلم است و زبان فارسی مهم‌ترین عامل وحدت ملی ایرانیان به‌شمار می‌رود. هادی خورشاهیان، شاعر و نویسنده حوزه کودک، نوجوان و بزرگسال با روایت خاطراتی از حضور در دیدارهای شاعران با رهبر انقلاب، به جهان و ادبی ایشان، شناخت گسترده از ادبیات کلاسیک و معاصر ایران و جهان و اهتمام ویژه به حفظ زبان فارسی پرداخت و این توجه را عاملی برای تقویت هویت و انسجام ملی دانست.

این منتقد ادبی در گفت‌وگو با ایرنا گفت: من هم مانند بسیاری دیگر از شاعران افتخار داشتم که در ماه مبارک کر رمضان خدمت حضرت آقا باشم. البته هیچ‌وقت این فرصت به من داده نشد یا شاید شعرهایم در آن سطح نبود که بتوانم در آن جلسات شعر بخوانم، اما در آن دیدارها حضور داشتم. با این حال در جلسات خصوصی‌تر نیز همراه جمعی از شاعران و نویسندگان خدمت حضرت آقا بودیم و این افتخار نصیبم شد که با ایشان هم‌کلام شوم و کتابم را به ایشان تقدیم کنم.

خورشاهیان افزود: شما درباره رهبران مختلف دنیا ممکن است عبارات و صفات گوناگونی شنیده باشید، اما عنوان «رهبر فرزانه» فقط به حضرت آقا اطلاق می‌شد. شعرهای حضرت آقا را خواندم و از نظر شاعری، ایشان شاعری برجسته بودند. علاقه‌ای که به ادبیات داشتند و توجهی که به زبان فارسی نشان می‌دادند، بارها در سخنرانی‌هایشان مطرح شده است. وی ادامه داد: برنامه شب‌شعر و شعرخوانی در بیت رهبری نیز سابقه‌ای طولانی دارد و به دوران ریاست‌جمهوری حضرت آقا بازمی‌گردد. این برنامه موضوع تازه‌ای نیست. خود ایشان نیز از دهه ۳۰ به‌طور مستمر در محافل شعری خراسان حضور داشتند و همین پیشینه، میزان توجه و علاقه ایشان به زبان فارسی اهمیت بیشتری قائل شویم و این وحدت ملی را حفظ کنیم.

حکمت

امیرالمؤمنین امام علی علیه‌السلام:
هر کس راست‌دینان را به پیششویی بگیرد، با آنان محشور و هر کس منافقان را به پیششویی برگزیند، با آنان محشور می‌گردد.
بحار الانوار، ج ۶۹ ص ۸۱، ۲۹



شعر

یارب! این ذبح عظیم ملت ما کن قبول



تازه‌ترین شعر افشین علا به تشییع پیکر مطهر رهبر شهید امت در نجف اشرف اختصاصی دارد. به مناسبت تشییع پیکر رهبر شهید و خانواده ایشان در نجف اشرف، افشین علا شعری با همین مناسبت سروده است. متن شعر افشین علا که «ذبح عظیم» نام دارد، به شرح زیر است:

یا علی! پیرانه‌سر فرزند پاکت جان به کف
با ننی صدپاره آمد سوی ایوان نجف

باز کن آغوش خود را دربرش گیر آنچنان
کز تنش بیرون بیاید خستگی، یابد شرف

راه‌اش کن از نجف سوی خیم کربلا
تا به استقبالش آیند اهل بیت از هر طرف

یا حسین! این نایب مهدی که عطشان شد شهید
گفت لاجزن به ما عمری تو گویش لاتخف

دختری یک‌ساله در تابت دارد غرق خون
گوهری در دانه آورده‌ست با خود در صدف

زینب کبری! به استقبال برایش بیا

همین منطق، الزامات و مسئولیت‌هایی را متوجه شرکت‌کنندگان رخداد می‌کند. نخست، هیچ کدام از مردم حاضر در صحنه ناظر خشتی نبودند؛ حضور، حرکت و کتشی‌های آنها همه حامل معناست. همچنین با پایان مراسم، مسئولیت تشییع به پایان نمی‌رسد، هر فرد از طریق بیان تجربه خود، انتقال خاطرات، گفت‌وگو با نسل‌های بعد و بازخوانی ارزش‌های رهبر، در استمرار حافظه جمعی مشارکت می‌کند. تشییع صحنه بازبایی پیوندهای مشترک است. هر کتشی یا روایتی که این پیوند را تضعیف کند، از منطبق ارتباطی این رخداد فاصله می‌گیرد.

در پایان، میراث بسیاری از رهبران جهان پس از مرگ در وصیتنامه، سخنرانی‌ها یا آثار مکتوب جست‌وجومی‌شود. اما شاید کلیدی‌ترین میراث رهبری که به عاملیت مردم باور قلبی داشت، خود مردمند، همچنین به اندیشه او نه فقط در یاد، بلکه در کتشی روایت و تاریخ اجتماعی زنده نگه می‌داند. تصویر نهایی مردم در مراسم وداع و تشییع کنار او باید به عنوان میراث جوشنده رهبر شهیدقاب شود.

ادبیات را نشان می‌دهد. ما ممکن است در یک کشور، نگاه‌های سیاسی متفاوت، قومیت‌های مختلف یا مذاهب گوناگون داشته باشیم، اما زبان فارسی نقطه وحدت همه ماست، حتی برای کسانی که زبان مادری‌شان فارسی نیست و به عنوان نمونه آذری‌زبان یا کردزبان هستند و فارسی زبان دوم آنهاست، باز هم زبان فارسی عامل پیوند و وحدت ملی است و ادبیات نیز بخشی از همین وحدت به‌شمار می‌آید.

این نویسنده گفت: کسانی که سخنرانی‌های حضرت آقا را شنیده‌اند یا تصاویر حضور ایشان در نمایشگاه کتاب اردابندهند، به‌ویژه زمانی که مقابل غرفه ناشران درباره کتاب‌ها گفت‌وگو می‌کردند، متوجه شده‌اند که ایشان علاوه بر ادبیات کلاسیک و معاصر ایران، با ادبیات جهان نیز آشنایی بسیار گسترده‌ای داشتند. بارها از نویسندگان برجسته جهان نام می‌بردند و گاهی می‌گفتند که به عنوان مثال فسلان رحمان را در اتوبوس و در دوره‌ای خاص مطالعه کرده‌اند. این توجه حضرت آقا برای ما که در حوزه ادبیات فعالیت می‌کنیم، تلنگری است تا هم ادبیات را جدی‌تر بگیریم و هم برای دور، مدیران فکر می‌کردند، این شیوه یک پدیده روزهای

نما | حسین گنشکار

میدان فرهنگ، دفتر هنرهای تجسمی وزارت ارشاد:

مدیر کل دفتر هنرهای تجسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: اصطلاح نقاشی قهوه‌خانه‌ای

این شیوه از هنر را کسم‌ارزش می‌کند، خیالی‌نگاری را پیشینه‌دادیم و این شیوه نقاشی در دومین خیمه هنر به اجرا گذاشته شد و توانستیم پیوندی میان هنر عاشورایی و شهادت رهبری در خلق اثر ایجاد کنیم.

آیدین مهدی‌زاده، مدیرکل دفتر هنرهای تجسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با توجه به پایان رویداد خیمه هنر اظهار داشت:

در ابتدا خیمه هنر پیشین‌داره کل موسیقی در قالب موسیقی عاشورایی بود. مسال گذشته‌ست و در دور اول، متوجه شدیم که

شاهه‌های هنری در آیین‌های عاشورایی، درهم تنیده‌اند. دیدیم که موسیقی بدون تعزیه و مسئله‌نمایی خیلی خودش را نشان نمی‌دهد. وی تصریح کرد:در مسئله نمایش عاشورایی، اجراهای

برده‌خوانی، شبیه‌خوانی خودش را کاملاً نشان می‌دهد. زمانی که به مورد برده‌خوانی صحبت می‌شود، هنر‌های تجسمی هم

به میان می‌آید. پس ما عنوانی به نام هنر‌های عاشورایی داریم. با تجربه سال گذشته خیمه هنر که در دهه اول محرم برگزار شده بود، متوجه شدیم که برای دور دوم چه می‌خواهیم. با تغییرات

عمده نسبت به سال گذشته، دست‌کم سه تغییر برای ما خیلی جدی شد.

مهدی‌زاده تصریح کرد: اول اینکه تمرکز ما بر هنر عاشورایی باشد. در بخش نمایشی، موسیقی و تجسمی که شامل تعزیه، نوحه‌خوانی، برده‌خوانی و ترسیم برده (نقاشی و خطاطی کتیبه‌نویسی) یک اجرای کامل از هنر‌های عاشورایی خلق شد، یعنی بخش تجسمی از تعزیه جدا نبود. در تعزیه هر چه گفته می‌شد، هنر مند تجسمی، برده مربوط به آن را ترسیم می‌کرد.

و افزود: دومین مورد، تغییر مکان برپایی خیمه هنر از بهنه رودکی به محیط تئاترشهر بود که این موضوع موافقان و مخالفانی

داشت. البته هدف رفتن به سمت مخاطب بود. همچنین بهترین هنرمندان استان‌ها در هنر عاشورایی را به خیمه هنر دوم دعوت کردیم. از زمان مدیریت قبلی اداره کل هنر‌های تجسمی، محمد خراسانی‌زاده گفت‌وگویی را سر مسئله نقاشی به غلط قهوه‌خانه‌ای و به درست خیالی‌نگاری ایران شروع کردیم که به نوعی یکی از نقاشی‌های بارز ایرانی محسوب می‌شود.

مهدی‌زاده اضافه کرد: این اصطلاح قهوه‌خانه این شیوه از نقاشی را کم‌ارزش می‌کند، انگار مال قهوه‌خانه است، اما اینگونه نیست. در واقع نقاشی هر جایی می‌توانسته برده را نقاشی کند. در خیابان و تکایا هم برده‌خوانی می‌شد. منتها اصطلاح کمک‌کننده نیست و بیشتر این هنر را کوچک و تحقیر می‌کند.

مدیرکل دفتر هنر‌های تجسمی با اشاره به اینکه این اصطلاح در میان مردم جا افتاده است به ایرنا گفت: دوستان اصطلاح خیالی‌نگاری را به کار برده‌اند که خوب هم هست. در گذشته نتجندان

دور، مدیران فکر می‌کردند، این شیوه یک پدیده روزهای

شهر است. در این دوران، مردم مکتوب را به عنوان یک شیوه نوشتاری می‌دیدند. اما امروز مردم و آینه آرمان‌های او را به هم پیوند می‌دهد. در این صورت، مردم تنها برای خداحافظی نیامده‌اند؛ آنها مسرت‌دهندگان یک مسیر تکاملی تاریخی هستند.

سهم حاضران در مراسم

همین منطق، الزامات و مسئولیت‌هایی را متوجه شرکت‌کنندگان رخداد می‌کند. نخست، هیچ

کدام از مردم حاضر در صحنه ناظر خشتی نبودند؛ حضور، حرکت و کتشی‌های آنها همه حامل معناست. همچنین با پایان مراسم، مسئولیت تشییع به پایان نمی‌رسد، هر فرد از طریق بیان

تجربه خود، انتقال خاطرات، گفت‌وگو با نسل‌های بعد و بازخوانی ارزش‌های رهبر، در استمرار حافظه جمعی مشارکت می‌کند. تشییع صحنه

بازبایی پیوندهای مشترک است. هر کتشی یا روایتی که این پیوند را تضعیف کند، از منطبق ارتباطی این رخداد فاصله می‌گیرد.

در پایان، میراث بسیاری از رهبران جهان پس از مرگ در وصیتنامه، سخنرانی‌ها یا آثار مکتوب جست‌وجومی‌شود. اما شاید کلیدی‌ترین میراث رهبری که به عاملیت مردم باور قلبی داشت، خود مردمند، همچنین به اندیشه او نه فقط در یاد، بلکه در کتشی روایت و تاریخ اجتماعی زنده نگه می‌داند. تصویر نهایی مردم در مراسم وداع و تشییع کنار او باید به عنوان میراث جوشنده رهبر شهیدقاب شود.

ادبیات را نشان می‌دهد. ما ممکن است در یک کشور، نگاه‌های سیاسی متفاوت، قومیت‌های مختلف یا مذاهب گوناگون داشته باشیم، اما زبان فارسی نقطه وحدت همه ماست، حتی برای کسانی که زبان مادری‌شان فارسی نیست و به عنوان نمونه آذری‌زبان یا کردزبان هستند و فارسی زبان دوم آنهاست، باز هم زبان فارسی عامل پیوند و وحدت ملی است و ادبیات نیز بخشی از همین وحدت به‌شمار می‌آید.

این نویسنده گفت: کسانی که سخنرانی‌های حضرت آقا را شنیده‌اند یا تصاویر حضور ایشان در نمایشگاه کتاب اردابندهند، به‌ویژه زمانی که مقابل غرفه ناشران درباره کتاب‌ها گفت‌وگو می‌کردند، متوجه شده‌اند که ایشان علاوه بر ادبیات کلاسیک و معاصر ایران، با ادبیات جهان نیز آشنایی بسیار گسترده‌ای داشتند. بارها از نویسندگان برجسته جهان نام می‌بردند و گاهی می‌گفتند که به عنوان مثال فسلان رحمان را در اتوبوس و در دوره‌ای خاص مطالعه کرده‌اند. این توجه حضرت آقا برای ما که در حوزه ادبیات فعالیت می‌کنیم، تلنگری است تا هم ادبیات را جدی‌تر بگیریم و هم برای دور، مدیران فکر می‌کردند، این شیوه یک پدیده روزهای

شهر است. در این دوران، مردم مکتوب را به عنوان یک شیوه نوشتاری می‌دیدند. اما امروز مردم و آینه آرمان‌های او را به هم پیوند می‌دهد. در این صورت، مردم تنها برای خداحافظی نیامده‌اند؛ آنها مسرت‌دهندگان یک مسیر تکاملی تاریخی هستند.

همین منطق، الزامات و مسئولیت‌هایی را متوجه شرکت‌کنندگان رخداد می‌کند. نخست، هیچ

کدام از مردم حاضر در صحنه ناظر خشتی نبودند؛ حضور، حرکت و کتشی‌های آنها همه حامل معناست. همچنین با پایان مراسم، مسئولیت تشییع به پایان نمی‌رسد، هر فرد از طریق بیان

تجربه خود، انتقال خاطرات، گفت‌وگو با نسل‌های بعد و بازخوانی ارزش‌های رهبر، در استمرار حافظه جمعی مشارکت می‌کند. تشییع صحنه

بازبایی پیوندهای مشترک است. هر کتشی یا روایتی که این پیوند را تضعیف کند، از منطبق ارتباطی این رخداد فاصله می‌گیرد.

در پایان، میراث بسیاری از رهبران جهان پس از مرگ در وصیتنامه، سخنرانی‌ها یا آثار مکتوب جست‌وجومی‌شود. اما شاید کلیدی‌ترین میراث رهبری که به عاملیت مردم باور قلبی داشت، خود مردمند، همچنین به اندیشه او نه فقط در یاد، بلکه در کتشی روایت و تاریخ اجتماعی زنده نگه می‌داند. تصویر نهایی مردم در مراسم وداع و تشییع کنار او باید به عنوان میراث جوشنده رهبر شهیدقاب شود.

ادبیات را نشان می‌دهد. ما ممکن است در یک کشور، نگاه‌های سیاسی متفاوت، قومیت‌های مختلف یا مذاهب گوناگون داشته باشیم، اما زبان فارسی نقطه وحدت همه ماست، حتی برای کسانی که زبان مادری‌شان فارسی نیست و به عنوان نمونه آذری‌زبان یا کردزبان هستند و فارسی زبان دوم آنهاست، باز هم زبان فارسی عامل پیوند و وحدت ملی است و ادبیات نیز بخشی از همین وحدت به‌شمار می‌آید.

این نویسنده گفت: کسانی که سخنرانی‌های حضرت آقا را شنیده‌اند یا تصاویر حضور ایشان در نمایشگاه کتاب اردابندهند، به‌ویژه زمانی که مقابل غرفه ناشران درباره کتاب‌ها گفت‌وگو می‌کردند، متوجه شده‌اند که ایشان علاوه بر ادبیات کلاسیک و معاصر ایران، با ادبیات جهان نیز آشنایی بسیار گسترده‌ای داشتند. بارها از نویسندگان برجسته جهان نام می‌بردند و گاهی می‌گفتند که به عنوان مثال فسلان رحمان را در اتوبوس و در دوره‌ای خاص مطالعه کرده‌اند. این توجه حضرت آقا برای ما که در حوزه ادبیات فعالیت می‌کنیم، تلنگری است تا هم ادبیات را جدی‌تر بگیریم و هم برای دور، مدیران فکر می‌کردند، این شیوه یک پدیده روزهای

شهر است. در این دوران، مردم مکتوب را به عنوان یک شیوه نوشتاری می‌دیدند. اما امروز مردم و آینه آرمان‌های او را به هم پیوند می‌دهد. در این صورت، مردم تنها برای خداحافظی نیامده‌اند؛ آنها مسرت‌دهندگان یک مسیر تکاملی تاریخی هستند.

همین منطق، الزامات و مسئولیت‌هایی را متوجه شرکت‌کنندگان رخداد می‌کند. نخست، هیچ

کدام از مردم حاضر در صحنه ناظر خشتی نبودند؛ حضور، حرکت و کتشی‌های آنها همه حامل معناست. همچنین با پایان مراسم، مسئولیت تشییع به پایان نمی‌رسد، هر فرد از طریق بیان

تجربه خود، انتقال خاطرات، گفت‌وگو با نسل‌های بعد و بازخوانی ارزش‌های رهبر، در استمرار حافظه جمعی مشارکت می‌کند. تشییع صحنه

بازبایی پیوندهای مشترک است. هر کتشی یا روایتی که این پیوند را تضعیف کند، از منطبق ارتباطی این رخداد فاصله می‌گیرد.

در پایان، میراث بسیاری از رهبران جهان پس از مرگ در وصیتنامه، سخنرانی‌ها یا آثار مکتوب جست‌وجومی‌شود. اما شاید کلیدی‌ترین میراث رهبری که به عاملیت مردم باور قلبی داشت، خود مردمند، همچنین به اندیشه او نه فقط در یاد، بلکه در کتشی روایت و تاریخ اجتماعی زنده نگه می‌داند. تصویر نهایی مردم در مراسم وداع و تشییع کنار او باید به عنوان میراث جوشنده رهبر شهیدقاب شود.

ادبیات را نشان می‌دهد. ما ممکن است در یک کشور، نگاه‌های سیاسی متفاوت، قومیت‌های مختلف یا مذاهب گوناگون داشته باشیم، اما زبان فارسی نقطه وحدت همه ماست، حتی برای کسانی که زبان مادری‌شان فارسی نیست و به عنوان نمونه آذری‌زبان یا کردزبان هستند و فارسی زبان دوم آنهاست، باز هم زبان فارسی عامل پیوند و وحدت ملی است و ادبیات نیز بخشی از همین وحدت به‌شمار می‌آید.

این نویسنده گفت: کسانی که سخنرانی‌های حضرت آقا را شنیده‌اند یا تصاویر حضور ایشان در نمایشگاه کتاب اردابندهند، به‌ویژه زمانی که مقابل غرفه ناشران درباره کتاب‌ها گفت‌وگو می‌کردند، متوجه شده‌اند که ایشان علاوه بر ادبیات کلاسیک و معاصر ایران، با ادبیات جهان نیز آشنایی بسیار گسترده‌ای داشتند. بارها از نویسندگان برجسته جهان نام می‌بردند و گاهی می‌گفتند که به عنوان مثال فسلان رحمان را در اتوبوس و در دوره‌ای خاص مطالعه کرده‌اند. این توجه حضرت آقا برای ما که در حوزه ادبیات فعالیت می‌کنیم، تلنگری است تا هم ادبیات را جدی‌تر بگیریم و هم برای دور، مدیران فکر می‌کردند، این شیوه یک پدیده روزهای